

9 ماه سرنوشت‌ساز؛ تهران در مسیر توافق یا بازگشت ماشه؟

روزنامه اعتماد بررسی کرد

حدیث روشنی

در شرایط پیچیده کنونی، تصویب قطعنامه اخیر شورای حکام علیه برنامه هسته‌ای ایران به ویژه با توجه به فشارهای فزاینده اروپا و اقدامات تحریک‌آمیز اخیر و نیز اعمال تحریم‌هایی جدید علیه تهران، به نقطه عطفی در روابط ایران و غرب تبدیل شده است. این اقدام، که در پی نگرانی‌های ادعایی کشورهای اروپایی نسبت به فعالیتهای هسته‌ای ایران صورت گرفته، تنشها میان تهران و بروکسل را به سطح بیسابقه‌ای افزایش داده است، به گونه‌ای که به باور برخی ناظران با نزدیک شدن به اکتبر 2025 و پایان یافتن موعد برجام طی نه ماه

پیش رو، فعال‌سازی مکانیسم ماشه به تهدید جدی و به ادعای گروهی اهرم فشار علیه تهران تبدیل شده است. سناریویی که به گمان برخی تحلیلگران در صورت وقوع، ممکن است به تشدید تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی فزاینده‌ای علیه کشورمان منجر شود. فعلا ایران به کنش شورای حکام و ترویجی‌کای اروپایی واکنش نشان داده و از فعالیت سانتریفیوژهای جدید گفته است. در چنین شرایطی سناریوهای متعددی در باب آینده توافق ایران و غرب مطرح است. برخی ناظران با در نظر گرفتن شرایط پرتنش کنونی با استناد به شعارهای انتخاباتی دونالد ترامپ در کمپین‌های خود مدعی‌اند که واشنگتن نیز خواهان رایزنی با ایران است. اما گروهی دیگر ضمن تایید گزاره بر این باورند که ترامپ ممکن است کمپین فشار حداکثری 2 را برای دستیابی به نتایج و امتیازات حداکثری بازتعریف کند؛ اهرمی که اجرایش پیامدهایی خواهد داشت. با این حال، به نظر می‌رسد در صورت فعال‌سازی مکانیسم ماشه و افزایش فشارها از سوی آمریکا و اروپا، مسیر گفت‌وگوها و همکاری‌های آینده با ایران پیچیده و پرچالش شود. این شرایط ممکن است ایران را در موقعیت بحرانی قرار دهد که به باور ناظران تنها می‌توان از طریق تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و هوشمندانه از شدت تنشها کاست و به

دنبال راه‌حلی برای حل بحران‌های موجود بود.

به این بهانه روزنامه اعتماد با هدف ارزیابی سناریوهای احتمالی در رابطه با تحولات نه ماه پیش روی ایران یعنی بازه زمانی تا انقضای برجام در شرایطی که تنش‌ها میان تهران و بروکسل به حد بی‌سابقه‌ای افزایش یافته و ترامپ در يك قدمی بازگشت به کاخ سفید است، با امیرعلی ابوالفتح کارشناس مسائل آمریکا و مرتضی مکی کارشناس مسائل اروپا گفت‌وگو کرده است. ابوالفتح با اشاره به آمادگی ایران برای مذاکره با آمریکا بر این باور است که نمی‌توان به نتیجه مذاکرات احتمالی خوش‌بین بود، چراکه مساله واشنگتن و مشخصاً ترامپ با تهران فراتر از مساله هسته‌ای است. مکی اما از نگاهی دیگر به ضرورت مذاکرات مستقیم میان ایران و آمریکا باور دارد و معتقد است تا زمانی گفت‌وگوها میان تهران و ترامپ به نتیجه نرسد تنش‌ها میان ایران و کشورهای اروپایی به قوت خود باقی است.

مشروح گفت‌وگو در ادامه می‌آید:

امیرعلی ابوالفتح: ماتریکس ایران و آمریکا؛ بی‌اعتمادی می‌تواند فضای مذاکرات را تحت تاثیر قرار دهد

امیرعلی ابوالفتح در پاسخ به سوال «اعتماد» در باب مواضع اخیر مقامات رسمی ایران درخصوص تمایل به مذاکره با ترامپ و اینکه آیا می‌توان اظهارات رسمی در این باره را سیگنال جدید ایران به آمریکا قلمداد کرد، گفت: جمهوری اسلامی ایران همواره بر گفت‌وگو و تعامل تاکید داشته است. خروج ایالات‌متحده از برجام، تصمیمی بود که آمریکا اتخاذ کرد، اما ایران در تمامی این سال‌ها همچنان به تعهدات خود در چارچوب برجام پایبند مانده است. اکنون نیز ایران آمادگی خود را برای گفت‌وگو و رایزنی اعلام کرده که البته نتیجه آن می‌بایست توافقی جامع باشد؛ توافقی که هم منافع و مطالبات ایران را تامین کند و هم به دغدغه‌ها و خواسته‌های طرف مقابل، یعنی آمریکا، پاسخ دهد. لذا ایران بارها تمایل خود را نشان داده است؛ حتی در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ که آمریکا از برجام خارج شد. ایران اعلام کرد که اگر ایالات‌متحده به برجام بازگردد، درهای مذاکره همچنان باز خواهند بود. ابوالفتح در ادامه تاکید کرد، در آن بازه زمانی کمیسیون مشترکی نیز وجود داشت که امکان ادامه مذاکرات را در چارچوب برجام فراهم می‌کرد. در همین راستا و در چارچوب مذاکرات برجامی محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه وقت

ایران، با رکس تیلرسون، نخستین وزیر خارجه دولت ترامپ، دیدار کرد تا شرایط را برای ادامه گفت‌وگوها بررسی کند. ایران نیز بارها تاکید داشت که در صورت باقی ماندن امریکا در برجام، زمینه گفت‌وگو فراهم خواهد بود.

به باور این کارشناس مسائل امریکا با این حال، آنچه امروز با آن مواجه هستیم، مسائل گذشته نیست؛ بلکه واقعیت این است که کمتر از ۹ ماه تا پایان اعتبار برجام باقی مانده است. حتی اگر ترامپ از این توافق خارج نمیشد، با نزدیک شدن به اکتبر ۲۰۲۵، ضرورت گفت‌وگو درباره توافقات جدید احساس میشود. در چنین شرایطی، ایران و سایر اعضای برجام ناگزیر بودند وارد دوران جدیدی به نام عصر پسا برجام یا دوران بدون برجام شوند. این بازه زمانی حساس، نیازمند تصمیم‌گیری‌های جدی است و همچنان مشخص نیست که آیا امکان احیای برجام وجود دارد یا باید به دنبال چارچوب‌های تازه‌ای بود.

ابوالفتح اما ضمن اشاره به تجارب موجود در روابط میان ایران و امریکا معتقد است که در شرایط کنونی، ضرورت آغاز مذاکرات بیش از هر زمان دیگری احساس میشود. اینکه چه کسی رییس‌جمهور امریکا باشد، اهمیتی ندارد؛ گرچه تجربه روابط ایران و امریکا در دوران ترامپ تجربه تلخی است. ترامپ، پس از خروج از برجام، سیاست موسوم به فشار حداکثری را علیه ایران به کار گرفت، تحریم‌های شدید نفتی را اعمال کرد و حتی دستور ترور شهید سردار قاسم سلیمانی را صادر کرد. با وجود این پیشینه، واقعیت این است که با نزدیک شدن به پایان عمر برجام، مذاکراتی لازم است که به یک توافق جدید منجر شود.

این کارشناس مسائل امریکا اما در عین حال معتقد است با وجود اینکه ایران بار دیگر آمادگی خود را برای ورود به مذاکرات اعلام کرده است اما اکنون باید دید طرف مقابل چه واکنشی نشان خواهد داد. دونالد ترامپ، که تاکنون وعده‌ها و شعارهای متعددی در این زمینه مطرح کرده است، باید نشان دهد که چگونه قصد دارد عمل کند. او مدعی است که هدف اصلی‌اش این است که ایران به بمب اتم دست نیابد. اما اگر واقعا این هدف مدنظر بود، خروج از برجام منطقی به نظر نمی‌رسید؛ چرا که برجام اساسا برای جلوگیری از دستیابی ایران به بمب اتم شکل گرفته بود.

ابوالفتح در پاسخ به دیگر سوال «اعتماد» در این باب که در صورت ابراز تمایل ترامپ به ورود تعامل با تهران آیا میتواند به ایجاد

توافقی در میان مدت امیدوار بود، گفت: اکنون باید تا ۲۰ ژانویه (اول بهمن) منتظر ماند و دید که پس از آغاز رسمی دوره ریاست‌جمهوری ترامپ چه تصمیماتی اتخاذ خواهد شد. اگر او بخواهد باب گفت‌وگو را باز کند، زمینه‌های آن وجود دارد و مقامات ایرانی نیز برای مذاکره اعلام آمادگی کرده‌اند. اما اگر ترامپ بخواهد سیاست فشار حداکثری را ادامه دهد، ایران نیز اعلام کرده است که در برابر این فشارها، سیاست مقاومت حداکثری را در پیش خواهد گرفت. تحولات پیش رو نشان خواهد داد که آیا مسیر تعامل و دیپلماسی باز خواهد شد یا تنش‌ها ادامه خواهد یافت.

به باور این کارشناس مسائل آمریکا چالش دیگری که در مسیر مذاکرات هسته‌ای ایران وجود دارد و آن را به مراحل حساس و پیچیده‌ای کشانده و می‌تواند بر روند مذاکرات و توافقات تاثیرگذار باشد بحران ایجاد شده میان مسکو و واشنگتن است. اکنون باید دید آیا دونالد ترامپ خواهد توانست به صورت همزمان دو چالش بزرگ، یعنی مساله هسته‌ای ایران و جنگ اوکراین را مدیریت کند و به نتایجی دست یابد که زمینه‌ساز توافق و تفاهم باشد یا خیر.

ابوالفتح در رابطه با تاثیرگذاری افراد کابینه احتمالی ترامپ بر مذاکرات احتمالی میان ایران و آمریکا گفت: بسیاری از افرادی که به عنوان گزینه‌های احتمالی کابینه او مطرح هستند، پیش‌تر در جایگاه‌های متفاوت درباره ایران اظهارنظر کرده‌اند. برای مثال، مارکو روبیو که سناتور بوده است یا استفانیک که سابقه نمایندگی در مجلس را دارد، هر کدام دیدگاه‌ها و مواضع تنیدی در جایگاه نمایندگی را درباره ایران بیان کرده‌اند. این کارشناس مسائل آمریکا در ادامه آورده است: اما نکته مهم این است که جنس ادعاها و اظهاراتی که از سوی نمایندگان پارلمان‌ها مطرح می‌شود، با مواضعی که اعضای کابینه اتخاذ می‌کنند، تفاوت دارد. معمولاً افرادی که در جایگاه نمایندگی، نظیر کنگره یا مجلس، فعالیت می‌کنند، سخنان تند و انتقادی‌تری به زبان می‌آورند. اما به محض اینکه به سمت‌های دولتی منصوب می‌شوند، رویکردشان تغییر می‌کند و مواضع‌شان محتاطانه‌تر و دیپلماتیک‌تر می‌شود. این تغییر لحن و موضع‌گیری، بخشی از الزامات مدیریت سیاسی و دیپلماتیک است و به همین دلیل، باید دید افراد منتخب کابینه ترامپ چه تاثیری بر سیاست‌های آمریکا نسبت به ایران خواهند داشت و آیا می‌توانند نقشی سازنده در پیشبرد مذاکرات ایفا کنند یا خیر.

به باور ابوالفتح این احتمال وجود دارد که افرادی مانند مارکو

روبیو در کابینه جدید ترامپ به عنوان وزیر امور خارجه می‌تواند نقشی متفاوت از گذشته ایفا کند یا خیر. با این حال، باید در نظر داشت که ترامپ نیز به دنبال مذاکره و توافق با ایران است و نمی‌توان گفت که هیچ تمایلی به تعامل ندارد. اصولاً تمامی دولت‌های آمریکا، صرفاً نظر از گرایش سیاسی‌شان، رویکرد مذاکره و توافق را در دستور کار خود داشته‌اند.

ابوالفتح در پاسخ به دیگر سوال «اعتماد» در این رابطه که توافق مورد نظر تهران و ترامپ در چه فاصله‌ای از یکدیگر قرار دارند، گفت: مساله اصلی این است که انتظارات ایران و آمریکا از یکدیگر کاملاً متفاوت است. ترامپ مخالف مذاکره یا توافق نیست؛ چراکه حتی خروج او از برجام نیز با هدف ادعایی دستیابی به یک توافق بهتر و جامع‌تر انجام شد. بنابراین، آمادگی‌هایی برای مذاکره وجود دارد، اما آنچه مهم است، خواسته‌های دو طرف از یکدیگر است. به اعتقاد این کارشناس مسائل آمریکا اما سوال اصلی این است که آیا آمریکا حاضر است نگرانی‌های ایران را برطرف کند و حتی امتیازاتی به ایران بدهد، یا اینکه صرفاً به دنبال تحمیل خواسته‌های خود است؟ توافق، ماهیتی مبتنی بر بده‌بستان دارد، اما گاه در سیاست‌های آمریکا این تصور شکل می‌گیرد که طرف مقابل باید به طور کامل تابع باشد. ابوالفتح در ادامه این تحلیل خود آورده است که این نگرش به ویژه در مقایسه با رویکرد آمریکا نسبت به برخی کشورهای آسیایی، آفریقایی و حتی آمریکای لاتین مشهود است؛ کشورهای که در بسیاری موارد، سیاست‌هایشان به‌طور کامل تحت‌تاثیر آمریکا قرار دارد. اما ایران هرگز در چنین چارچوبی قرار نگرفته و رویکرد مستقل خود را حفظ کرده است. این تفاوت اساسی در رویکردها و انتظارات، چالش اصلی در مسیر دستیابی به یک توافق پایدار و قابل قبول برای هر دو طرف است.

به باور ابوالفتح ترامپ اخیراً ادعا کرده است که مشکل میان ایران و آمریکا تنها بر سر مساله هسته‌ای است، اما این ادعا به نظر من قابل باور نیست. نه تنها ترامپ، چراکه به‌طور کلی هیات حاکمه ایالات متحده نیز چنین دیدگاهی ندارد. این موضوع در گذشته نیز مشخص شده است، زمانی که مایک پمپئو، وزیر امور خارجه دولت اول ترامپ، ۱۲ شرط را برای ایران مطرح کرد، مدعی شد که اگر ایران این شروط را بپذیرد، می‌تواند به وضعیتی به ادعای او نرمال بازگردد و اجازه خواهد یافت که به اقتصاد جهانی دسترسی پیدا کند.

این کارشناس مسائل آمریکا در رابطه با دایره شمول شروط احتمالی

ترامپ براي مذاکره گفت: این شروط شامل مسائلي فراتر از پرونده هسته‌اي ایران بود، از جمله برنامه موشکي و فعالیت‌هاي منطقه‌اي ایران. به وضوح مشخص است که اگر مشکل امریکا با ایران صرفاً در موضوع هسته‌اي خلاصه می‌شد، خروج از برجام معنایی نداشت. اما امریکا از برجام خارج شد تا به توافقی‌هاي دیگری تحت عنوان برجام‌هاي دو، سه و چهار دست یابد. اکنون نیز این ادعاها تکرار می‌شود، اما بعید است جمهوری اسلامی ایران در مقطع کنونی یا آینده چنین شروطي را بپذیرد.

ابوالفتح در پاسخ به سوال «اعتماد» در باب اینکه اساساً ایران حاضر است به خواسته‌هاي نامعقول ترامپ تن دهد، گفت: خواسته‌هاي مطرح شده در گذشته، نظیر تحویل سلاح‌ها و محدودیت‌هاي گسترده، موضوعي است که کمتر حاکمیتی در جهان می‌پذیرد، مگر اینکه در شرایط شکست کامل قرار گیرد. در منطقه‌اي مانند غرب آسیا که با ناامنی گسترده‌اي مواجه است، هیچ کشوري حاضر به واگذاری سلاح‌ها و پهپادهای خود نخواهد شد؛ زیرا این امر می‌تواند منجر به تضعیف امنیت آن کشور و حتی حمله‌هاي احتمالی شود.

ابوالفتح بر این باور است که اگر امریکا واقعا تنها در مورد مسائل هسته‌اي نگرانی داشت، باید صادقانه به پای میز مذاکره می‌آمد. حتی آقای لاریجانی مشاور رهبر انقلاب نیز اخیراً تأکید کرده است که اگر نگرانی اصلی امریکا مسائل هسته‌اي است، این موضوع قابلیت مذاکره دارد. اما شواهد نشان می‌دهد که مسائل بسیار فراتر از این است.

ابوالفتح در پاسخ به سوال پایانی «اعتماد» در باب اینکه می‌توان به منتج شدن توافق احتمالی میان تهران و واشنگتن خوشبین بود یا خیر، گفت: در حال حاضر، فضای بی‌اعتمادی میان ایران و امریکا عمیق‌تر از سال ۲۰۱۷ شده است. از یکسو، ایران تهدیدات مکرر اسرائیل علیه تاسیسات هسته‌اي خود را با حمایت مستقیم امریکا مشاهده می‌کند. از سوی دیگر، امریکا نیز ایران را به عنوان تهدیدی جدی‌تر از گذشته می‌بیند. به باور ابوالفتح این عوامل باعث شده‌اند که احتمال دستیابی به یک توافق حتی کمتر از گذشته شود. اگر در گذشته احتمال دستیابی به توافق یک دهم درصد بود، امروز این احتمال به مراتب کاهش یافته است. بی‌اعتمادی شدید میان دو طرف و افزایش تهدیدات متقابل، فضای مذاکره را پیچیده‌تر کرده است. به همین دلیل، من شخصاً خوشبین نیستم که از این مذاکرات، با وجود تمام ادعاهایی که مطرح می‌شود، نتیجه‌اي ملموس حاصل شود.

مرتضي مكي: اروپا براي فعالسازي ماشه آماده است

مرتضي مكي، كارشناس مسائل اروپا در پاسخ به سوال «اعتماد» در باب تأثير واكنش ايران به ترويكاي اروپايي و تأثير آن بر تعاملات ميان تهران و نهاد پادماني گفت: لازم به ذكر است كه پيش از تصويب قطعنامه اخير شوراي حكام، جمهوري اسلامي ايران اعلام کرده بود كه در صورت صدور چنين قطعنامه‌اي، واكنش نشان خواهد داد. اين واكنش در چارچوب تهديداتي كه ايران قبلا مطرح کرده بود، قابل تبين است. از جمله اقدامات اعلام شده، راه‌اندازي سانتريفيوژهاي جديد است. به باور اين كارشناس مسائل اروپا واكنش ايران به تصويب قطعنامه شوراي حكام بيشتر به منظور زمينه‌سازي براي افزايش توليد اورانيوم غني شده در سطوح مختلف، از جمله غناي ۶۰ درصدی يا حتي بالاتر، صورت گرفته است و در حال حاضر به معنای افزايش فوري سطح اورانيوم غني شده نيست. با اين حال، چنين اقداماتي مي‌تواند پيامدهاي مهمي براي تعاملات ايران و آژانس بين‌المللي انرژي اتمي به همراه داشته باشد.

مكي در ادامه آورده است كه البته همواره همكاري‌هاي فني و نظارتي ميان ايران و آژانس با مسائل سياسي همراه بوده است. زماني كه ايران و كشورهاي غربي، به ويژه كشورهاي اروپايي، در مسير گفت‌وگو و تعامل قرار داشتند، اين همكاري‌ها معمولا بدون تنش و در فرآيندي نرمال پيش مي‌رفت. حتي در مواردی كه اختلافاتي وجود داشت، اين مسائل تا حد زيادي مديريت ميشد.

به باور اين كارشناس مسائل اروپا هرگاه مسائل سياسي بر جنبه‌هاي فني غلبه پيدا کرده است، اختلافات در مسير پيچيده‌تر و حساس‌تر قرار گرفته است. قطعنامه اخير شوراي حكام، كه نشان‌دهنده تشديد فشارهاي سياسي عليه ايران است، مي‌تواند همكاري‌هاي ايران با آژانس را تحت‌تأثير قرار دهد و باعث افزايش بي‌اعتمادی ميان طرفين شود. اين تحولات ممكن است روند گفت‌وگوها و تعاملات آتي ايران با كشورهاي غربي و همچنين آژانس را دشوارتر كند. در چنين شرايطي، مديريت اين اختلافات و بازگشت به مسير گفت‌وگو و تعامل مي‌تواند چالشي بزرگ براي همه طرف‌ها باشد.

مكي در ادامه گفت‌وگوي خود آورده است كه مشكلات سياسي ميان ايران و اروپا همواره بر روند همكاري ايران با آژانس بين‌المللي انرژي اتمي سايه افكنده است. در شرايط كنوني نيز اين چالش‌ها ادامه دارد، هرچند كه در جريان سفر اخير آقاي رافائل گروسي، مدير كل آژانس، به ايران سيگنال‌هاي مثبتی از سوي تهران در زمينه همكاري

با این نهاد بین‌المللی ارسال شد.

این کارشناس مسائل اروپا ضمن اشاره به بازدید بیسابقه گروسی از تاسیسات هسته‌ای نطنز و فردو گفت: مدیرکل آژانس گزارش‌های مثبتی از همکاری ایران به شورای حکام ارائه داده است اما همچنان مدیر این نهاد پادمانی نگرانی‌هایی درباره افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم ۶۰ درصدی در ایران را مطرح کرد، اما لحن او در این سفر، به‌ویژه در کنفرانس خبری در وین و خطاب به اعضای شورای حکام، نسبت به گذشته کمتر تقابلی بود. این تغییر لحن نشان‌دهنده یک ارزیابی مثبت از همکاری‌های فنی و گفت‌وگوهای انجام شده میان ایران و آژانس بود.

مکی اما با لحاظ کردن گزارشات مثبت گروسی گفت: انتظار می‌رفت که این مواضع مدیرکل آژانس بتواند بر نگاه و رای اعضای شورای حکام، به‌ویژه کشورهای اروپایی، تاثیرگذار باشد. ایران با فراهم کردن امکان بازدیدهای گروسی و انجام گفت‌وگوهای شفاف، نشان داد که مایل به حفظ همکاری‌ها با آژانس است. با این حال، واکنش کشورهای اروپایی همچنان در حد انتظار نبود، و گامی که از سوی ایران برداشته شد، با پاسخی مثبت از سوی این کشورها همراه نشد.

به باور این کارشناس مسائل اروپا این عدم تناسب در واکنش‌ها می‌تواند نشان‌دهنده آن باشد که مسائل سیاسی همچنان در روابط ایران و اروپا و تعاملات با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نقشی پررنگ دارند. تداوم این وضعیت ممکن است بر روند همکاری‌های آتی تاثیر منفی بگذارد، مگر آنکه طرفین بتوانند راهی برای کاهش تنش‌ها و تمرکز بیشتر بر جنبه‌های فنی پیدا کنند.

مکی در ادامه گفت‌وگویی خود با «اعتماد» آورده است؛ در حال حاضر، مسائل هسته‌ای ایران به‌شدت تحت تاثیر موضوعات دیگری قرار گرفته است که کشورهای اروپایی و آمریکا از آنها به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد که برای کشورهای اروپایی، موضوع برنامه هسته‌ای ایران در اولویت نیست و بهانه‌ای برای پیگیری اهداف سیاسی گسترده‌تر محسوب می‌شود.

مکی در پاسخ به دیگر سوال «اعتماد» در باب چرایی تکیه اروپا به فشارهای حداکثری خاطرنشان کرد: در شرایط فعلی، مسائل مربوط به ادعای همکاری نظامی ایران با روسیه در جنگ اوکراین، حمایت ایران از محور مقاومت و برنامه موشکی ایران برجسته‌تر از مذاکرات هسته‌ای است. این موضوعات بر روابط تهران و بروکسل سایه انداخته و باعث

شده است که تعاملات ایران و اروپا در يك وضعیت پیچیده و خاص قرار گیرد.

این کارشناس مسائل اروپا ضمن اشاره به جایگاه مسائل هسته‌ای برای کشورهای اروپایی معتقد است که قبلاً برنامه هسته‌ای ایران نقطه کانونی روابط ایران و غرب بود، اکنون تحت الشعاع سایر اختلافات قرار گرفته است. کشورهای اروپایی از برنامه هسته‌ای ایران به عنوان اهرمی برای فشار سیاسی استفاده می‌کنند، اما نگرانی اصلی آنها به نظر می‌رسد به موضوعاتی همچون فعالیت‌های منطقه‌ای ایران و نقش این کشور در جنگ اوکراین مربوط باشد.

مکی همچنین بر این باور است که در چنین شرایطی، هرگونه گفت‌وگو یا تعامل میان ایران و اروپا، و در سطح کلان‌تر میان ایران و آمریکا، نیازمند پرداختن به این مجموعه موضوعات است. به عبارتی همچنان این گمانه‌زنی مطرح است و به نظر می‌رسد که مدیریت تنش‌ها میان ایران و غرب تنها در صورتی ممکن خواهد بود که در کنار مسائل هسته‌ای، سایر مسائل مطرح شده نیز مورد بررسی قرار گیرند.

مرتضی مکی در پاسخ به دیگر سوال «اعتماد» در رابطه با اثرگذاری بحران‌های موجود در شرق اروپا بر روابط تنش‌آلود ایران و اروپا گفت: شرایط سیاسی در ایران، منطقه و سطح جهانی به‌طور چشمگیری تغییر کرده است و این تحولات تاثیر زیادی بر روابط ایران با اروپا و سایر کشورها گذاشته است. شرایط امروز با سال ۲۰۱۸ که ترامپ از برجام خارج شد، بسیار متفاوت است. یکی از مهم‌ترین تغییرات، تغییر مواضع کشورهای اروپایی در قبال ایران است که عمدتاً ناشی از فعالیت‌های ایران در تحولات اخیر منطقه است. مورد دوم حمله روسیه به اوکراین است که این چالش را به مراتب شدیدتر کرده است. حمله روسیه به اوکراین به طور کامل معادلات سیاسی و امنیتی در روابط روسیه و غرب را تحت تاثیر قرار داده و موجب تغییراتی جدی در روابط بین‌المللی شده است. هر کشوری که در کنار روسیه قرار گیرد، طبیعتاً در مقابل اروپا و غرب خواهد ایستاد. این حمله به ویژه تهدیدی امنیتی و جدی برای اروپا به حساب می‌آید و براساس همین تهدیدات، چارچوب‌های امنیتی در اروپا در حال تغییر و دگرگونی است. این نکته بسیار مهمی است که باید به آن توجه شود.

به باور مکی اما از سوی دیگر، حمله اسرائیل به نوار غزه و کشتاری که بیش از يك سال است در این منطقه به راه انداخته شده، در کنار دیگر مسائل چالش‌برانگیز میان ایران و اروپا، باعث افزایش تنش‌ها

میان دو طرف شده است. کشورهای اروپایی به‌طور جدی خود را متعهد به همکاری با اسرائیل و حمایت همه‌جانبه از آن می‌دانند و در این زمینه هیچ خط قرمزی را قائل نیستند. با وجود اینکه اسرائیل در بیش از یک سال گذشته جنایات بسیاری را در غزه مرتکب شده است، هیچ صدای بشردوستانه‌ای از دولت‌های اروپایی در این زمینه شنیده نشده است. این مسائل تاثیر زیادی بر روند همکاری‌های ایران و اروپا گذاشته است و موجب شده که طی چند دهه گذشته روابط ایران با اروپا و آمریکا به این اندازه پرتنش و پیچیده نباشد.

این کارشناس مسائل اروپا در ادامه گفت‌وگویی خود با «اعتماد» اما بر این باور است که در مذاکرات منتهی به برجام، آنچه باعث شد که برجام شکل بگیرد و امضا شود، مذاکرات مستقیم ایران و آمریکا بود. اگر این گفت‌وگوها و مذاکرات بین ایران و آمریکا نبود، قطعاً برجام امضا نمی‌شد. اروپایی‌ها نیز در این زمینه با آمریکا هم‌صدا و هم‌راستا بودند، به گونه‌ای که حتی زمانی که وزیر امور خارجه فرانسه، محل مذاکرات را به مدت 24 ساعت ترک کرد، این اقدام به دلیل فشارهای لابی صهیونیستی و اسرائیلی در فرانسه بود. اما در نهایت، تمامی طرف‌ها برجام را امضا کردند.

به باور مکی اکنون نیز اگر به دنبال کاستن از شدت تنش‌ها و چالش‌های موجود میان ایران و اروپا هستیم باید به دنبال مذاکرات مستقیم با آمریکا باشیم. اگر توافقی میان تهران و واشنگتن حاصل شود، قطعاً اروپایی‌ها چاره‌ای جز پیروی از آمریکا نخواهند داشت و این برای آنها رضایت‌بخش خواهد بود. این درحالی است که ایران اکنون گزینه‌های محدودی در اختیار دارد و فرصت‌های کمی پیش رو است. به همین دلیل، باید یک راهبرد کلان و جامع در این زمینه اتخاذ کنیم و بازنگری‌هایی در سیاست‌های خود انجام دهیم تا زمینه و فضا برای گشایش‌هایی در جهت خروج از این شرایط دشوار سیاسی فراهم شود.

این کارشناس مسائل اروپا در رابطه با نحوه تعامل میان تهران و واشنگتن و اثرگذاری آن بر نوع مناسبات بر ایران و اروپا گفت: نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که اکنون آمریکا و اروپا با توجه به چالش‌هایی که با بازگشت مجدد ترامپ به کاخ سفید مواجه هستند، اختلافات جدی‌تری دارند. با این حال، تلاش‌هایی برای رسیدن به تفاهم و دیدگاه مشترک بین دو طرف در دولت ترامپ ادامه دارد تا بتوانند در حوزه‌های مختلف به توافق برسند. به باور مکی اما نکته خطرناک برای ایران این است که در حال حاضر، موضوع ایران به نقطه اشتراک آمریکا و اروپا تبدیل شده است. در سال 2018، ایران،

امریکا و اروپا اختلافاتی بر سر برجام داشتند و اروپایی‌ها تمام تلاش خود را برای حفظ برجام انجام دادند، حتی پیش‌نویس قطعنامه امریکا در مورد برجام در شورای امنیت را رد کردند. اما اکنون وضعیت تغییر کرده است و اروپا و امریکا هر دو در باب ایران دغدغه‌های مشترکی دارند.

این کارشناس مسائل اروپا در ادامه گفت‌وگویی خود با «اعتماد» معتقد است؛ فرصتی که در دولت اول ترامپ برای ایران وجود داشت، دیگر در دولت دوم او تکرار نخواهد شد. اگر بخواهیم فرصتی ایجاد کنیم، قطعاً این مسیر از کانال امریکا خواهد گذشت. به نظر نمی‌رسد که اروپا با مواضع سختی که اکنون نسبت به ایران اتخاذ کرده، در فرصت کوتاهی پس از عمر قطعنامه 231 شورای امنیت، آماده مذاکرات جدی برای حل مسائل باشند. بنابراین، باید از فرصت باقی‌مانده استفاده کرده و سیاست‌های کلان و سخت‌گیرانه‌ای را اتخاذ کنیم. هرچند این مسیر دشوار است، اما به نظر می‌رسد که مصلحت و آینده کشور به این تصمیمات وابسته است.

مکی در پاسخ به سوال «اعتماد» در باب سناریوی احتمالی فعال‌سازی مکانیسم ماشه تا پیش از اکتبر 2025 گفت؛ این احتمال وجود دارد که مکانیسم ماشه قبل از این تاریخ فعال شود و این موضوع می‌تواند تهدیدی جدی برای ایران باشد. در این راستا، باید به سرعت تصمیم‌گیری کرده و سیاست‌های راهبردی و کلانی را اتخاذ کنیم. اقدام اخیر اروپایی‌ها در صدور قطعنامه در نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، گامی در جهت فعال‌سازی مکانیسم ماشه بوده است تا پرونده هسته‌ای ایران را پیچیده‌تر کنند و زمینه‌ای برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه فراهم آورند. این سناریو به شدت برای ایران خطرناک است و باید به‌طور جدی در این زمینه تأمل کرد و جلوی وقوع آن را گرفت.

مکی در پاسخ به سوال پایانی «اعتماد» در باب این سناریو که آیا اروپا به دلیل نگرانی از توافق احتمالی ایران و امریکا متوسل به اعمال فشارهای حداکثری علیه ایران شده است، گفت؛ ترامپ بارها نشان داده است که در چارچوب منافع امریکا عمل می‌کند و در صورت نیاز، هیچ‌گونه تعهدی نسبت به منافع کشورهای دیگر نخواهد داشت. در دولت اول ترامپ، او با خروج از برجام نشان داد که منافع امریکا را در اولویت قرار می‌دهد. به باور مکی اگر ترامپ به این نتیجه برسد که باید با ایران وارد تعامل شود، قطعاً اروپا نیز از همین رویکرد پیروی کرده و از آن استقبال خواهد کرد. اما اگر امریکا

تصميم به مخالفت با ايران بگيرد، اروپا قادر به مقابله با واشنگتن نخواهد بود، زيرا تحريم‌هايي كه عليه جمهوري اسلامي ايران اعمال ميشود عمدتاً ازسوي امريكا است، در صورتي كه امريكا اين تحريم‌ها را لغو كند، اروپايي‌ها هيچ اهم فشاري براي مقابله با ايران نخواهند داشت و بنا بر اين قادر به اتخاذ تصميمات ضد ايراني نخواهند بود. اين سناريو نيز به عنوان يك سناريو محتمل‌تر قابل توجه است.

1403 6 6